

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۰۳/۱۸

محمود قلعه‌نویی^۱، زهرا حسین قلی‌پور^۲

ارزیابی تأثیر خشک شدن فصلی زاینده‌رود اصفهان در میزان حس دلبستگی افراد به فضاهای شهری آن بررسی موردی: محدوده پل خواجه^۳

چکیده

دلبستگی به مکان به معنای برقراری پیوند عاطفی با مکان است. در صورتی که مردم حس دلبستگی به مکانی را از دست بدهند، ارتباطشان با آن محیط کم‌رنگ‌تر می‌شود. زنده‌رود نماد تاریخ و هویت اصفهان است و می‌تواند بر دلبستگی افراد به فضاهای شهری حاشیه آن تأثیر بگذارد. سؤال پژوهش این است که میزان دلبستگی افراد به فضاهای شهری حاشیه زاینده‌رود نسبت به قبل از خشک شدن آن چه تغییری کرده و تأثیر خشکیدن زاینده‌رود بر هر یک از ابعاد دلبستگی به مکان به چه میزان است؟ این پژوهش کاربردی بوده و به روش ترکیبی کمی و کیفی، تأثیر خشک شدن رودخانه بر میزان حس دلبستگی افراد به فضاهای شهری اطراف زاینده‌رود را بررسی کرده است. در این خصوص مؤلفه‌های مؤثر بر دلبستگی به مکان استخراج و با تجزیه و تحلیل ۱۰۰ پرسش‌نامه با آزمون همبستگی و رگرسیون، به وضعیت دلبستگی افراد نسبت به قبل از خشک شدن رودخانه پرداخته شده است. نتایج حاکی از کاهش میزان دلبستگی به فضاهای شهری پیرامون زاینده‌رود در مقایسه با قبل از خشک شدن آن و همچنین تأثیر منفی خشکی رودخانه در تمایل مراجعین افراد به این مکان‌ها است. براین اساس دلبستگی از بعد روان‌شناختی به‌ویژه از نظر رفتاری، بیشترین تأثیر منفی را از خشکی رودخانه پذیرفته است.

کلیدواژه‌ها: دلبستگی به مکان، تمایل مراجعه، خشکی زاینده‌رود.

^۱ استادیار گروه طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، استان اصفهان، شهر اصفهان
E-mail: m.ghalehnoee@au.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه هنر اصفهان، استان اصفهان، شهر اصفهان (نویسنده مسئول مکاتبات)

E-mail: zahra_h430@yahoo.com

^۳ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد زهرا حسین قلی‌پور با عنوان «طراحی شهری حساس به آب: ارزیابی پیامدهای خشک شدن فصلی زاینده‌رود بر کیفیات تجربی - زیبایی شناختی فضای شهری (نمونه مورد مطالعه: محدوده پل خواجه)» با راهنمایی دکتر محمود قلعه‌نویی در دانشگاه هنر اصفهان است.

مقدمه

زاینده‌رود یا زنده‌رود به معنی زندگی‌دهنده، بزرگ‌ترین رودخانه فلات مرکزی ایران است که رگ حیاتی و عامل اصلی حاصلخیزی اصفهان محسوب می‌شود و نقش مهمی در تأمین آب شرب، صنعت و کشاورزی استان دارد. مردم اصفهان به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به این رودخانه وابسته‌اند، شغل‌های بسیاری در اصفهان براساس ارتباط مردم با زاینده‌رود وجود دارد. زاینده‌رود در کنار فواید اقتصادی و فرهنگی برای اصفهان، سبب ایجاد حوزه‌های عمومی برای گسترش تعاملات اجتماعی انسان‌ها با یکدیگر شده است. این رودخانه علاوه بر این‌که فضایی تفریحی و محلی برای گذران اوقات فراغت محسوب می‌شود، جایگاه ویژه‌ای را در هویت شهری شهروندان اصفهانی به خود اختصاص داده است (قاسم‌زاده و دیگران، ۱۳۹۳، ۴۸۱). نزدیک سه سال است که بستر زاینده‌رود در بیشتر روزهای سال خشک است. قطع جریان آب، از سویی مردم اصفهان و گردشگرانی که این شهر را برای سفر انتخاب کرده‌اند آزرده و از سوی دیگر اقتصاد مردم شهرها و روستاهایی که در حاشیه آن قرار دارند را تحت تأثیر قرار داده است (کیانی و ملکی، ۱۳۹۲). مطالعات حاکی از این است که با خشک شدن زاینده‌رود میزان تعاملات اجتماعی شهروندان در اطراف آن نیز به طرز معناداری کاهش یافته است (قاسم‌زاده و دیگران، ۱۳۹۳). علاوه بر آن خشکی رودخانه تأثیر منفی بر جذب گردشگر در این شهر داشته و مدت زمان حضور گردشگران را در شهر کاهش داده و به‌طور میانگین باعث کاهش ۱۹ درصدی ورود گردشگر به این شهر شده است (کیانی و ملکی، ۱۳۹۲). مسئله مهمی که عامل اصلی تدوین پژوهش حاضر بوده و کمتر به آن پرداخته شده مربوط به جنبه‌های روان‌شناختی و اجتماعی تأثیر خشکی زاینده‌رود است.

زاینده‌رود مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری سیمای شهر در ذهن شهروندان نسبت به سایر نشانه‌ها داراست که البته حضور نشانه‌های نمادینی چون پل‌های مهم مثل سی‌وسه پل و پل خواجه این نقش را تقویت می‌کند (مختاباد و دیگران، ۱۳۸۸، ۳۱). بنابراین می‌توان گفت زنده‌رود نماد تاریخ اصفهان است و شهر هویت اصلی خود را از آن گرفته است، این رودخانه بخشی از هویت مردم اصفهان شده که خود را با آن می‌شناسند و به دیگران می‌شناسانند و به آن دلبسته‌اند.

دلبستگی به مکان به مفهوم برقراری پیوند عاطفی با مکان، نقش عمده‌ای در ایجاد و بالا بردن سطح مسئولیت‌پذیری و همکاری افراد دارد و از نظر اجتماعی زمینه مساعدی را فراهم می‌کند تا مردم بر امور جاری نظارت بیشتری داشته باشند و با علاقه بیشتری به مسائل اجتماعی پیرامون خود بپردازند (امیرکافی و فتاحی، ۱۳۹۰، ۷). اما همان‌گونه که آدمیان به‌طور مختلف روی یکدیگر تأثیرگذارند، شرایط محیطی نیز به‌نوبه خود بر ما اثرگذار است بنابراین خشکی رودخانه می‌تواند بر میزان دلبستگی و نوع احساس آن‌ها بر فضاهای شهری حاشیه زاینده‌رود اثر بگذارد. در صورتی که مردم دلبستگی به مکانی را از دست دهند، ارتباطشان با آن محیط کمرنگ‌تر شده و هیچ تمایلی به شرکت در اجتماعات و مشارکت در فعالیت‌های جمعی نخواهند داشت و نسبت به سرنوشت محل بی‌تفاوت خواهند بود و به‌مرور آن را ترک خواهند کرد که این امر اثرات منفی بر هویت مکان خواهد داشت. هدف پژوهش این بررسی تأثیر خشک شدن زاینده‌رود در میزان حس دلبستگی افراد به فضاهای شهری آن است. تحقیق حاضر سعی دارد تا به اندازه‌گیری میزان حس دلبستگی افراد با استفاده از شاخص‌های دلبستگی و مقایسه آن‌ها با قبل از خشک شدن رودخانه به‌وسیله تدوین پرسش‌نامه، به‌صورت توصیفی-تحلیلی بپردازد. از این‌رو پرسش‌هایی که در جهت دستیابی به اهداف مورد نظر مطرح می‌شوند عبارت‌اند از:

۱. وضعیت دل‌بستگی افراد به فضاهای شهری زاینده‌رود نسبت به قبل از خشک شدن آن چه تغییری پیدا کرده است؟
۲. تأثیر خشکیدن زاینده‌رود بر هریک از ابعاد دل‌بستگی به مکان، به چه میزان است؟

ادبیات تحقیق

پیشینه نظری و عملی

امروزه مفاهیمی مانند دل‌بستگی به مکان، حس مکان، معنای مکان، هویت مکان در ادبیات نظری معماری و طراحی شهری به‌ویژه در زمینه روان‌شناسی محیطی توسعه‌یافته‌اند. در همه این مفاهیم، ابعاد مختلف تعامل انسان و مکان و تأثیری که آن مکان‌ها بر مردم دارند، مندرج است (Jorgensen & Stedman, 2013, 5). یکی از عام‌ترین این مفاهیم حس مکان است (Hashemnezhad et al., 2013, 5). حس مکان یک مفهوم جامع است که در آن افراد مکان‌ها را حس می‌کنند، آن‌ها را درک می‌نمایند و به آن‌ها دل‌بسته می‌شوند. شناخت جنبه‌های اساسی حس مکان، می‌تواند در ارزیابی سطح عمومی دل‌بستگی به مکان مؤثر باشد. دل‌بستگی به مکان یکی از زیرمجموعه‌های حس مکان است (Hashemnezhad et al., 2013). تحقیقات برای ارزیابی حس مکان و مفاهیم مکانی در روان‌شناسی محیطی، معمولاً دل‌بستگی، هویت و وابستگی را مورد خطاب قرار می‌دهند که میان این سه مفهوم میزان قابل توجهی همپوشانی وجود دارد اما هرکدام از آن‌ها خصوصیات متمایزی دارند (Jorgensen & Stedman, 2001, 233). هویت مکان یک مفهوم مرتبط با جنبه‌های مکانی هویت است (Hauge, 2007, 46) و شامل ابعادی از فرد است که هویت شخصی فرد را در پیوند با محیط فیزیکی، ترجیحات، احساسات، ارزش‌ها، اهداف و تمایلات رفتاری تعریف می‌کند (Proshansky, 1978, 155). وابستگی به مکان توسط استوکل و شوماخر^۱ به‌عنوان قدرت درک ارتباط بین فرد با مکانی خاص توصیف می‌شود (Altman & Low, 1992; Williams et al., 1992).

مفهوم‌سازی‌های ما از دل‌بستگی به مکان از تحقیقات جیکوب و وایت و ویلیامز و راجنوک^۲ (۱۹۸۹) سرچشمه می‌گیرد که پیوند انسان با مکان را با دو مؤلفه هویت مکانی و وابستگی مکانی مطرح کردند. پروشانسکی^۳ (۱۹۷۸) هویت مکانی را در شناخت ارتباطات بین شخص و محیط فیزیکی تعریف کرد. وی هویت مکانی را «ابعادی از شخص می‌داند که هویت شخصی‌اش را در ارتباط با محیط فیزیکی و به‌وسیله الگوی پیچیده‌ای از ایده‌ها، اعتقادات، ترجیحات، احساسات، ارزش‌ها، اهداف و گرایش‌های رفتاری و مهارت‌های مرتبط با محیط به‌صورت آگاهانه یا ناآگاهانه معرفی می‌کند» (Kyle et al., 2004, 5). در لغت‌نامه دهخدا از دل‌بستگی به معنای محبت، رغبت، دوستی، عشق و گرایش خاطر یاد می‌شود (سجادزاده، ۱۳۹۲، ۷۰). دل‌بستگی به مکان رابطه عاطفی فرد با مکان است که ریشه در خصوصیات و تجارب گذشته فرد دارد که مکان باید بتواند پاسخگوی نیازها و انتظارات انسان باشد (Altman & Low, 1992; Williams et al., 1992). دل‌بستگی به مکان براساس تعامل شناختی، عاطفی و عملکردی بین افراد، گروه‌ها و مکان کالبدی-اجتماعی در طول زمان شکل می‌گیرد (صادقی و دیگران، ۱۳۹۱، ۲۵۴). دل‌بستگی به مکان به تأثیر عاطفی مکانی که مردم به‌وسیله پیوندهای فرهنگی و احساسی جذب آن می‌شوند، اشاره می‌کند (Yazdanfar et al., 2013, 214). دل‌بستگی به مکان مبنای نحوه ارتباط و تعامل عاطفی مثبت انسان با فضاست و به‌واسطه خصوصیات فردی، جمعی، فرهنگی و اجتماعی ایجاد می‌شود (Altman & Law, 1992, 5). مفهوم دل‌بستگی اشاره به تمایل به حفظ رابطه با موضوع مورد دل‌بستگی دارد. دل‌بستگی به مکان غالباً تعهد به یک مکان خاص را افزایش می‌دهد (Lai & Kreuter, 2012, 222). برقراری تعامل عاطفی،

موجبات پیوند انسان با فضا و معنا بخشی به فضا را فراهم می‌کند و باعث علاقه بیشتر به مکان می‌شود (Bonaiuto, 1999, 332). همچنین، دل‌بستگی به مکان با تأثیر و تأثر متقابل کنش‌ها، اعتقادات، احساسات و آگاهی با مکان مرتبط است (Proshansky et al., 1978, 59). زمانی که دل‌بستگی به مکانی ارتقا می‌یابد ما شروع به شناخت خودمان به وسیله مکان‌ها در هر دو مقیاس بزرگ (ملیت، شهر) و مقیاس کوچک (واحد همسایگی، خانه یا اتاق) می‌کنیم (Hauge, 2007, 47).

همانند تعاریف دل‌بستگی به مکان، ابعاد آن نیز به شیوه‌های مختلفی بیان شده است. برای مثال از دیدگاه تیلور ابعاد دل‌بستگی به مکان عبارت‌اند از وابستگی کالبدی؛ ریشه داشتن که به قدمت مکان و زمان آشنایی با آن اشاره دارد. وابستگی اجتماعی؛ قیدوبندهای بومی و محلی یا همان وابستگی‌های اجتماعی افراد و گروه‌ها در فضا (Taylor et al., 1985). ابعاد دل‌بستگی به مکان از دیدگاه لاو و آلمن شامل موارد زیر است: (۱) نوع خاص مکان؛ یعنی اهمیت معنایی مکان به لحاظ اجتماعی که در عین حال موجب دل‌بستگی عاطفی به آن است؛ (۲) هویت مکان؛ (۳) درونی بودن مکان؛ (۴) گونه مکان؛ (۵) ریشه داشتن در مکان؛ (۶) تجسم محیطی؛ (۷) احساس جمعی؛ و (۸) این‌همانی با نام (دانشپور و دیگران، ۱۳۸۸، ۴۱). صادقی و دیگران (۱۳۹۱) به این نتیجه می‌رسند که بین طرح کالبدی مجتمع مسکونی و حس دل‌بستگی به مکان ساکنین رابطه مثبت وجود دارد. در این مقاله عوامل مؤثر شکل‌گیری دل‌بستگی به مکان به این صورت دسته‌بندی می‌شوند: عوامل فرهنگی، اجتماعی و فردی؛ عوامل کالبدی؛ عوامل زمینه‌ای؛ عامل زمان؛ عوامل فعالیتی و تعاملی. دانشپور و دیگران (۱۳۸۸) عوامل مؤثر در شکل‌گیری دل‌بستگی را به صورت عوامل کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، فردی، خاطرات و تجارب، رضایت از مکان، عوامل فعالیتی، زمان و مشارکت در طراحی مکان بیان می‌کنند؛ نکته قوت مقاله آنها در تبیین مدل دل‌بستگی به مکان است. یزدانفر و همکارانش (۲۰۱۳) به تأثیر دل‌بستگی مکان در ایجاد حس مکان در بازار تجریش و مرکز تجاری تندیس و مقایسه این دو باهم پرداخته‌اند. این مقاله مفهوم حس مکان و دل‌بستگی مکانی را در یک مدل پنج‌بعدی از عوامل مؤثر در دل‌بستگی مکان شامل: عوامل فیزیکی و زیرساخت‌ها، تعامل و همبستگی اجتماعی، امنیت اجتماعی، خوانایی و تمایلات و در نهایت وابستگی مکانی، ارائه می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که میان عوامل مؤثر در دل‌بستگی مکان دو جزء عوامل فیزیکی و امنیت اجتماعی نسبت به سایر عوامل نقش مهم‌تری ایفا می‌کنند. سجادزاده (۱۳۹۲)، نقش دل‌بستگی به مکان در هویت‌بخشی به میدان‌های شهری را مورد مطالعه قرار داده است که مؤلفه‌های مهم در دل‌بستگی به مکان به صورت عوامل معنایی، عملکردی و احساسی بیان شده است. کایل^۵ و دیگران (۲۰۰۴) رابطه بین انگیزه مردم برای بازدید از یک مکان تفریحی عمومی و میزان دل‌بستگی‌شان به آن مکان را سنجیده‌اند.

در این مقاله فرض بر این است که منافع روان‌شناختی، کاربران را به تعامل با محیط پارک و تسهیل توسعه دل‌بستگی‌شان به مکان ترغیب می‌سازد. با استفاده از مفهوم‌سازی‌های چندبعدی از انگیزه و دل‌بستگی به مکان، مشاهده شد که برخی از ابعاد انگیزه بر میزان دل‌بستگی افراد به یک مکان تأثیر می‌گذارند و نه تمامی آن‌ها. هاشم‌نژاد و همکارانش (۲۰۱۳)، تعریفی جامع از مفاهیم حس مکان و دل‌بستگی ارائه می‌دهند و درصدد مقایسه آن‌ها باهم جهت یافتن ارتباطشان هستند. در نهایت دل‌بستگی به مکان را یکی از زیرمجموعه‌های حس مکان می‌شمارند. بنابراین در مواجهه مردم و مکان اگر فرض کنیم حس مکان، حس کلی مردم به مکان است، دل‌بستگی به مکان احساس مثبتی است که مردم نسبت به آن دارند. اخیراً اسکائل و گیفورد^۶ (۲۰۱۰) تلاش کرده‌اند با طرح چارچوب سه‌بعدی تعاریف مربوط به دل‌بستگی به مکان را در رشته‌های مختلف علمی، سازمان

دهند. بر طبق این چارچوب، دلبستگی به مکان مفهومی چندبعدی است که با ابعاد شخص، فرآیند روان‌شناختی و بعد مکانی مشخص می‌شود.

استخراج معیارهای ارزیابی دلبستگی به مکان

مطالعه پیشینه نظری و عملی دلبستگی مکان نشان می‌دهد که هرکدام از صاحب‌نظران برای مفهوم دلبستگی به مکان ابعاد و شاخص‌هایی را در نظر گرفته‌اند و هرکدام با توجه به موضوع مطالعه‌شان روی برخی از شاخص‌ها تمرکز بیشتری داشته‌اند، لذا در این بخش با بهره‌گرفتن از این مبانی و با تأکید بر زمینه مورد مطالعه، مجموعه‌ای از اصلی‌ترین معیارهای ارزیابی براساس مفاهیم دلبستگی مکان استخراج گردیده است تا با تکیه بر آن‌ها و با توجه به مشاهده‌ها و تحلیل‌های میدانی، شاخص‌های مورد نظر جهت تدوین پرسش‌نامه و تجزیه و تحلیل آن و در نهایت ارزیابی میزان حس دلبستگی افراد به فضاهای شهری زاینده‌رود به دست آید.

- **بعد شخصی:** دلبستگی در هر دو سطح فردی و گروهی رخ می‌دهد، اگرچه تعریف‌کنندگان این واژه تمایل دارند بر برتری یکی از این‌ها بر دیگری تأکید نمایند؛ ولی هر دو می‌توانند با یکدیگر همپوشانی داشته باشند (Scannel & Gifford, 2010, 2).

- **دلبستگی فردی:** در سطح فردی، این مقوله شامل خصوصیات فردی، ارتباطات شخصی فرد با مکان می‌شود. میزان دلبستگی به مکان از فردی به فرد دیگر متفاوت است (Tuan, 1977).

الف) خصوصیات فردی: میزان دلبستگی به مکان از فردی به فرد دیگر متفاوت است. افراد براساس ترجیحات آگاهانه‌ای که ناشی از خصوصیات و ویژگی‌های فردی آن‌ها است، مکان‌ها را انتخاب می‌کنند و به آن‌ها دلبسته می‌شوند (دانشپور، ۱۳۸۸، ۴۳).

در تبیین ویژگی‌های فردی می‌توان به عواملی همچون سن، جنس، تحصیلات، درآمد، وضعیت تأهل، طبقه اجتماعی، توانایی‌های ذهنی و جسمی، نوع نگرش فرد به فلسفه و هستی و سبک زندگی اشاره کرد (دانشپور، ۱۳۸۸؛ صادقی و دیگران، ۱۳۹۱؛ Scannel & Gifford, 2010). در سطح فردی، دلبستگی به یک مکان شامل ارتباطات شخصی فرد با مکان می‌شود. مثلاً محیط‌هایی که خاطرات شخصی را برمی‌انگیزد، تصور می‌شود این نوع دلبستگی مکانی در ایجاد حس ثبات شخص نیز سهیم باشد (Twigger & Uzzell, 1996, 205). در تبیین ویژگی‌های فردی و نقش آن در نحوه تعامل با مکان می‌توان به عوامل مختلفی چون: (۱) جمعیت‌شناسی (سن، جنسیت، سواد)؛ (۲) نوع رابطه فرد با مکان؛ (۳) نحوه گزینش مکان؛ (۴) مدت اقامت؛ و (۵) سبک زندگی اشاره کرد (صادقی و دیگران، ۱۳۹۱).

ب) ارتباطات شخصی فرد با مکان: شامل تجربه وقایع مهم، ریشه داشتن فرد در مکان (محیط‌هایی که خاطرات شخصی را برمی‌انگیزد) و نحوه تعامل شخص با مکان می‌شود (Scan- Yazdanfar, 2013; Scannel & Gifford, 2010). توان^۶ (۱۹۸۰) به ریشه داشتن در مکان اشاره می‌کند که موجب همبستگی فرد و مکان است. وی معتقد است که باید به یاد داشته باشیم که حوادث مورد علاقه و مکان، بخشی از تجربه ماست و ممکن است نمودی از آن تجربه شود (Yazdanfar, 2013, 858). بدین ترتیب، مکان‌ها به واسطه تجربیات مهم شخصی معنادار می‌شوند. مانزو^۷ (۲۰۰۵) اشاره می‌کند که «صرفاً خود مکان حائز اهمیت نیست، بلکه «تجربه - در- مکان» نیز اهمیت دارد و معنا را ایجاد می‌کند» پس تجربیات فردی می‌تواند مبنایی برای دلبستگی باشد (Scannel & Gifford, 2010, 2).

- **دلبستگی جمعی/فرهنگی:** گروه‌ها، خانواده‌ها، اعضای جامعه و فرهنگ‌های مشابه در دلبستگی به یک مکان خاص اشتراک دارند. دلبستگی به مکان به فعالیت‌هایی که مردم در بستر فرهنگی

مورد نیاز خود انجام می‌دهند بستگی دارد (Hashemnezhad et al., 2013, 10). همچنین دل‌بستگی به مکان وابسته به فعالیت‌هایی است که افراد در قالب مقتضیات فرهنگی خود انجام می‌دهند. فرهنگ از جمله عواملی است که به دلیل نقش خود در شکل‌گیری ترجیحات مکانی بر نوع تعاملات گروه‌ها با مکان نیز تأثیرگذار است. لاو^۸ ابزار فرهنگی زیر را در این خصوص مطرح می‌نماید: (۱) دودمان که فرد را با مکان در چارچوب هویت‌های تاریخی آن با خانواده وی ارتباط می‌دهد؛ (۲) از دست دادن که تقویت‌کننده دل‌بستگی به مکان است؛ (۳) مالکیت؛ (۴) نگاه به نظام عام وجود فلسفه و هستی که ناشی از دیدگاه‌های مذهبی یک فرهنگ می‌شود؛ (۵) زیارت و آیین‌ها که مربوط به مکان‌هایی است که معانی خاصی برای افراد و گروه‌ها دارند؛ و (۶) روایت که با توصیف‌ها و روایت‌ها پیرامون مکانی خاص در زندگی افراد مرتبط است (دانشپور و دیگران ۱۳۸۸، ۴۳). اشاره کرد که مبتنی بر مشارکت مردم در مکان است (صادقی و دیگران، ۱۳۹۱).

الف) معانی نمادین مشترک از مکان در بین اعضاء (تاریخی): دل‌بستگی مکانی با چارچوب گروهی در فرهنگ‌ها، جنسیت‌ها و مذاهب متفاوت است. فرهنگ، اعضا را از طریق تجربیات، ارزش‌ها و نمادهای تاریخی مشترک، به مکان مرتبط می‌سازد.

ب) باورهای مذهبی: دل‌بستگی مکانی می‌تواند اساسی مذهبی داشته باشد که به واسطه مذهب، معانی مکان‌های ویژه به مرتبه‌ای مقدس ارتقا می‌یابد به طوری که نه تنها چنین مکان‌هایی، پرستش‌کنندگان را به خدایشان نزدیک‌تر می‌سازد؛ بلکه تکریم این مکان‌ها و حفاظت از آن‌ها ضرورتاً وفاداری فرهنگی فرد را نیز منعکس می‌سازد (Scannel & Gifford, 2010, 2-3).

بعد فرایند روان‌شناختی: جنبه روان‌شناختی دل‌بستگی مکانی، همان حس مکان است. سه جنبه روان‌شناختی دل‌بستگی مکانی، عبارت است از احساسات، شناخت و رفتار (Scannel & Gifford, 2010, 3). در مکان‌های طبیعی، دل‌بستگی افراد به مکان می‌تواند حاصل تمایل آن‌ها به تأمین نیازهای خاص باشد، به همین خاطر افراد به محیط‌های طبیعی که انتظار تجربه منافع روان‌شناختی خاص از آن دارند، جذب می‌شوند و از طریق درگیر شدن افراد با مکان و با دیگران در آن مکان، پیوندهای روان‌شناختی بین خودشان و محیط ارتقا می‌یابد (Kyle et al., 2004, 440).

تأثیر: تحقیقات در مورد مؤلفه تأثیری دل‌بستگی به مکان با مفهوم‌سازی‌های جرجنسون و استمن^{۱۰} (۲۰۰۱) تثبیت شد که پیوند احساسی افراد با مکان‌ها را منعکس می‌کرد. درگذشته محققان با استفاده از طراحی‌های کیفی، نشان دادند که پیوند افراد با محیط‌های خاص می‌تواند عمیقاً عاطفی و تأثیری باشد (Kyle et al., 2004, 440). دل‌بستگی به مکان صراحتاً شامل محتوای عاطفی می‌شود، برای مثال ریلی^{۱۱} (۱۹۹۲) بر دل‌بستگی به عنوان رابطه عاطفی بین مردم و منظر تأکید می‌کند که فراتر از شناخت، ترجیحات و قضاوت است. جغرافی‌دانان علوم انسانی، تعلق مکان را با عبارات عاطفی شرح می‌دهند. برای مثال توان (۱۹۷۴)، عبارت "topophilia" یا «علاقه به مکان» را به عنوان نام این ارتباط مطرح کرد.

الف) احساس رضایت روحی: رلف^{۱۲} (۱۹۷۶)، دل‌بستگی مکانی را به عنوان پیوند عاطفی و اصیل با محیطی که نیازهای اساسی فرد را ارضا می‌کند بیان کرد. دل‌بستگی به مکان، در تعاریف عاطفی نظیر سرمایه‌گذاری عاطفی در یک مکان، یا احساس غرور و احساس عمومی از خوب بودن به تصویر کشیده می‌شود (Scannel & Gifford, 2010, 3).

ب) روابط احساسی نزدیک با مکان: یکی از ویژگی‌های اصلی دل‌بستگی به مکان، روابط احساسی نزدیک با مکان است. به این ترتیب دل‌بستگی به مکان پیوندی مؤثر و ماندگار را با مکان‌هایی که

مردم از آن استفاده می‌کنند برقرار کرده و از آنجاست که آن‌ها آسایش و آرامش بیشتری دارند (Hernandez & Hidalgo, 2001, 121).

- شناخت^{۱۳}: ارتباطات فرد با مکان شامل عناصر شناختی نیز می‌شود. حافظه، معنا و آگاهی که ارتباط افراد با محیط آن‌ها را شخصاً مهم می‌سازد (Scannel & Gifford, 2010, 3).

الف) آگاهی از مکان و تجربه آن: دلبستگی به مکان در این حالت، شامل داشتن آگاهی از این مسئله است که امکانات به مکان نزدیک است (Scannel & Gifford, 2010, 3). در مجموع دلبستگی به مکان زمانی که مردم تجربه‌ای قدرتمند در مدت‌زمانی طولانی در مکان داشته باشند و در این فرایند، مکان معنای وسیعی ارائه کند، اتفاق می‌افتد (Hashemnezhad et al., 2013).

ب) معنا: مردم از طریق حافظه معنای مکان را می‌سازند و آن را به خود مرتبط می‌سازند (Scannel & Gifford, 2010, 3). مفهوم دلبستگی در قلمرو تداعی معنای محیط تعریف می‌شود. معنا مربوط به جنبه‌های روان‌شناسی و ادراکی تجربه محیطی است و در این محدوده دلبستگی به مکان به‌عنوان نقطه اتصال فرد و محیط تعریف می‌شود (Hernandez & Hidalgo, 2001, 121).

- رفتار: در این سطح دلبستگی از طریق فعالیت‌ها بیان شده است و مشخصه اصلی آن محافظت از نزدیکی به چنین جایی است (Scannel & Gifford, 2010, 4). در واقع در این سطح فرد تلاش می‌کند تا ارتباط خود با مکان را حفظ کند و پیوند مؤثر و ماندگاری با مکان داشته باشد.

- بعد مکانی: شاید مهم‌ترین بعد دلبستگی مکانی، خود مکان باشد. مکانی که با آن رابطه داریم چه نوع مکانی است؟ این بعد در مقیاس‌های جغرافیایی متنوع مورد بررسی قرار گرفته و اساساً به دو سطح تقسیم‌بندی شده است: دلبستگی مکانی اجتماعی و فیزیکی (Yazdanfar, 2013, 857). دلبستگی از بعد مکان به معنای دلبستگی به کسانی است که در آن مکان زندگی می‌کنند و همچنین تعاملات اجتماعی که مکان فراهم می‌کند (Scannel & Gifford, 2010, 5).

- دلبستگی اجتماعی یا «پیوند داشتن»: تعاملات اجتماعی و مشارکت مردم در مکان، تعلق خاطر داشتن به بقیه، خاطرات مشترک، میزان تماس و صمیمیت افراد در مکان، همگونی و همبستگی گروهی و آشنایی با یکدیگر را شامل می‌شود (صادقی و دیگران، ۱۳۹۱؛ کافی و فتحی، ۱۳۹۰؛ Yazdanfar, 2013; Bonaiuto et al., 2002; Scannel & Gifford, 2010).

افراد به مکان‌هایی دلبسته هستند که روابط اجتماعی و هویت گروهی را تسهیل می‌کنند. افراد دلبستگی به مکان را بر پایه دلبستگی به مردم خلق می‌کنند (دانشپور و دیگران، ۱۳۸۸، ۴۲). این حس مثبت از ارتباطات اجتماعی، دنیایی برای فرد خلق می‌نماید که دل‌کنند از آن وی را دچار تشویش می‌کند تا آنجا که در بسیاری از موارد میزان مطلوبی از دلبستگی به مکان در شرایط کالبدی نامطلوب با عوامل اجتماعی مکان توجیه گردیده است (Bonaiuto et al., 2002, 2).

مطالعات نشان داده است که روابط اجتماعی و خاطرات مهم با دیگران می‌تواند در ارتقای دلبستگی به یک مکان نقش داشته باشد (Kyle et al., 2004, 339). ویژگی‌های اجتماعی به نحوه حضور فرد در مکان به همراه سایرین، عاملی قوی در تصمیم فرد برای ماندن در آن مکان است. حس مثبت از ارتباطات اجتماعی، دنیایی برای فرد خلق می‌نماید که دل‌کنند از آن، وی را دچار تشویش می‌کند (صادقی و دیگران، ۱۳۹۱). دلبستگی به مکان با تعامل مثبت مردم و سازگاری اجتماعی در مکان توسعه می‌یابد و شدت دلبستگی به مکان ارتباط مستقیمی با شدت ارتباطات و میزان آن دارد که ما مکانی را به‌خاطر می‌آوریم که تجربه کرده باشیم و ماجراهای آن موردعلاقه‌مان باشد و مکان بخشی از تجربیات ماست و باید به‌عنوان نمادی از آن تجربه باشد (Hashemnezhad et al., 2013, 9).

- دلبستگی فیزیکی یا «ریشه داشتن»: بسیاری از تحقیقات در حوزه دلبستگی مکانی به مکان فیزیکی وابسته هستند و تلاش دارند به این سؤال‌ها که کدام مکان برای مردم مهم‌تر هستند و چرایی آن پاسخ دهند. استدمن (۲۰۰۳)، نقش کالبدی مکان را مطالعه کرد و به نقش مستقیم آن در رضایتمندی و نقش غیرمستقیم آن در دلبستگی به مکان اشاره نمود (Scannel & Gifford, 2010, 3; Hashemne-zhad et al., 2013, 9) که با عواملی همچون نوع سازمان‌دهی فضایی - کالبدی، منحصر به فرد بودن کالبد، تسهیلات و نحوه برآورده شدن نیازهای کالبدی، نحوه دسترسی به مکان، وضعیت مکان در محیط شهری مشخص می‌شود (دانشپور، ۱۳۸۸؛ صادقی و دیگران ۱۳۹۱؛ Yazdanfar, 2013; Zenker, 2013; Rutter, 2014; Scannel & Gifford, 2010) تحقیقات نشان می‌دهد که در هنگام حضور و مواجهه با تصاویر محیط طبیعی، افراد تنوعی از منافع روان‌شناختی و فیزیکی مثبت را تجربه می‌کنند (Kyle et al., 2004). ویژگی‌های دیگر که مطرح شدند: محل قرارگیری مکان و بستر آن، امکانات و خدمات، وضعیت در محیط شهری و ارتباطش با محیط بود (Hashemnezhad et al., 2013, 9).

جدول ۱. ابعاد، معیارها و شاخص‌های دلبستگی به مکان، با بهره گرفتن از مبانی نظری موجود و با تأکید بر زمینه مورد مطالعه

ابعاد	معیارها	زیرمعیارها	شاخص‌ها	منابع
۱. شخصی	۱-۱. فردی	- خصوصیات فردی - ارتباطات شخصی فرد با محیط	سن، جنس، تحصیلات، نوع مراجعت به مکان، میزان پذیرش وضعیت خشکی رودخانه از سوی فرد	دانشپور، ۱۳۸۸؛ صادقی و دیگران، ۱۳۹۱ Yazdanfar, 2013; Scannel & Uzzell, Gifford, 2010; Twigger 1996
	۲-۱. جمعی	- معانی نمادین مشترک از مکان	میزان ارزش نمادین مکان نسبت به قبل از خشک شدن رودخانه	دانشپور، ۱۳۸۸؛ صادقی و دیگران، ۱۳۹۱ Scannel & Gifford, 2010; Hashemnezhad et al., 2013
۲. فرایند روان‌شناختی	۱-۲. تأثیر	- احساس رضایت روحی - روابط احساسی نزدیک با مکان	میزان متأثر شدن از خشکی رودخانه، میزان افتخار و غرور نسبت به مکان، میزان لذت بردن از بودن در مکان نسبت به قبل	Hernandez & Hidalgo, 2001; Scannel & Gifford, 2010; Kyle, 2004.
	۲-۲. شناخت	- آگاهی از مکان - معنا	میزان آگاهی از تأثیر منفی خشکی رودخانه، میزان اهمیت فضاها و پل‌ها نسبت به قبل.	Scannel & Gifford, 2010; Hernandez & Hidalgo, 2001; Hashemnezhad et al., 2013.
۳. مکانی	۳-۲. رفتار	- حفظ ارتباط با مکان - پیوند مؤثر و ماندگار با مکان	میزان حفظ ارتباط با مکان، دفعات مراجعه به مکان نسبت به قبل از خشک شدن رودخانه	Scannel & Gifford, 2010
	۱-۳. اجتماعی	- تعاملات اجتماعی - مشارکت - هویت گروهی	دفعات گذران اوقات فراغت در مکان و میزان برقراری تعاملات اجتماعی و پاتوق‌ها نسبت به قبل از خشکیدن رودخانه	صادقی و دیگران، ۱۳۹۱؛ کافی و فتحی، ۱۳۹۰ Yazdanfar, 2013; Bonaiuto et al., 2002; Scannel & Gifford, 2010; Kyle, 2004.
	۲-۳. فیزیکی	- شرایط مکان و بستر - منحصر به فرد بودن کالبد - تسهیلات و نحوه برآورده شدن نیازهای کالبدی	میزان اهمیت و رضایت از کالبد و عناصر طبیعی، نسبت به قبل از خشک شدن رودخانه	دانشپور، ۱۳۸۸؛ صادقی و دیگران، ۱۳۹۱ Yazdanfar, 2013; Zenker & Rutter, 2014; Scannel & Gifford, 2010; Hashemnezhad et al., 2013; Kyle, 2004.

منبع: نگارندگان

روش‌شناسی تحقیق

با بررسی ادبیات موضوع و مستندات مهم مربوط به مفاهیم دل بستگی به مکان، مشاهده شد که دیدگاه‌های متفاوتی درخصوص دل بستگی به مکان وجود دارد و هرکدام از صاحب‌نظران بر مجموعه‌ای از عوامل تأثیرگذار در دل بستگی مکان تأکید بیشتری نسبت به سایر عوامل داشته‌اند که البته این موضوع را نمی‌توان ناشی از اختلاف‌نظرها دانست، بلکه می‌توان گفت بستر و زمینه‌ای که مورد مطالعه قرار می‌گیرد در نحوه ارزیابی دل بستگی به مکان و گزینش معیارها و شاخص‌های آن تأثیرگذار است. لذا در پژوهش حاضر سعی شد با نظر به محدوده مطالعاتی و مطالعه ادبیات موضوع، ابعاد و شاخص‌های دل بستگی به مکان با توجه به بستر استخراج شود و در نهایت با به دست آمدن معیارهای دل بستگی به مکان و با روش مشاهده‌ای و پیمایشی و تدوین پرسش‌نامه و استفاده از تحلیل‌های آماری (SPSS) به ارزیابی تأثیر خشک شدن زاینده‌رود در میزان حس دل بستگی به فضاهای شهری آن (محدوده پل خواجه) پرداخته شود.

با توجه به این‌که مجموعه افرادی که به فضاهای شهری حاشیه زاینده‌رود مراجعت می‌کنند می‌توانند طیف متنوعی از افراد از نواحی اطراف شهر را نیز شامل شوند و نمی‌توان گفت که تمامی اهالی اصفهان به فضاهای شهری زاینده‌رود مراجعه می‌کنند، بنابراین جامعه آماری کل مراجعین از شهر در دست نیست تا براساس آن به تعداد نمونه‌ها برسیم، در این حالت، محقق ناچار است از روش گمانه‌زنی استفاده کند و بر آن اساس تعداد نمونه را مشخص کند (حافظ نیا، ۱۳۸۴، ۱۵۰). لذا می‌توان از تعداد صد نفر برای حجم نمونه استفاده کرد (دواس، ۱۳۸۶، ۷۹). به همین دلیل پرسش‌شوندگان از ساکنان شهرستان اصفهان و با ویژگی‌های متنوع اجتماعی، سنی و جنسی، از متوسط سنی بین ۲۰ تا ۷۰ سال انتخاب شده‌اند و توزیع یکسان جمعیت در آن‌ها به لحاظ جنسیت، رعایت شده است. نکته مهم در روش این پژوهش این است که پرسش‌شوندگان ساکن شهرستان اصفهان هستند و از گردشگرهای خارجی در این زمینه پرسشی به عمل نیامده است. در توجیه این امر باید اظهار داشت که تعیین میزان دل بستگی گردشگرها و غیراصفهان‌ها، شاخص‌ها و معیارهای مخصوص به خود را می‌طلبد و همچنین در این صورت مقیاس مطالعه نیز تغییر می‌کند چرا که خشک شدن زاینده‌رود برای یک اصفهانی در رضایت و میزان دل بستگی و مراجعه فرد به فضاهای شهری زاینده‌رود تأثیر می‌گذارد، درحالی‌که برای یک گردشگر شرایط به صورت دیگری است و می‌تواند در تصمیم فرد برای آمدن به شهر اصفهان تأثیر بگذارد. علاوه بر این موضوع، در اکثر پژوهش‌ها و مطالعات به جنبه‌های اقتصادی و گردشگری و تلاش برای افزایش مراجعه گردشگرها پرداخته شده و از خود اصفهانی‌ها در این زمینه غفلت شده است. در نتیجه پژوهش حاضر تنها بر ساکنان شهر اصفهان که آشنایی کاملی با زاینده‌رود و فضاهای شهری آن دارند و با آن زندگی کرده‌اند، تمرکز دارد.

جدول ۲. توزیع فراوانی شرکت‌کنندگان برحسب جنسیت و میزان تحصیلات

گروه	جنسیت		سن					تحصیلات		نوع مراجعت به مکان		
	♀	♂	۱۳-۱۹	۲۰-۲۹	۳۰-۳۹	۴۰-۴۹	۵۰-۵۹	۶۰-۶۹	فوق دیپلم و لیسانس	فوق لیسانس و دکتری	مسیر کار و عبور	گذران اوقات فراغت
زیرگروه فراوانی	۵۰	۵۰	۲۸	۳۴	۲۵	۱۳	۴۰	۱۱	۴۶	۳	۲۳	۷۷

منبع: نگارندگان

جدول ۲ درخصوص توزیع فراوانی نشان می‌دهد که از کل نمونه (۱۰۰ نفر)، ۵۰ درصد مرد و ۵۰ درصد زن هستند، اکثر پاسخگویان در گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال قرار دارند و در مورد دلیل مراجعتشان به فضاهای شهری زاینده‌رود، ۷۷ درصد از نوع گذران اوقات فراغت و ۲۳ درصد از نوع مسیر کار و عبور است که این امر نشان‌دهنده توجه مردم به فضاهای شهری زاینده‌رود به‌عنوان فضاهای مکث و نه صرفاً عبوری است. سؤال‌های پرسش‌نامه با توجه به معیارها و شاخص‌های استخراج شده در سه بعد شخصی، فرایند روان‌شناختی و مکانی و با بار منفی و در پنج طیف (کاملاً موافق، موافق، بی‌نظر، مخالف، کاملاً مخالف) جهت مقایسه وضعیت حس دلبستگی قبل و بعد از خشک شدن رودخانه مطرح شد، به‌گونه‌ای که میزان دلبستگی افراد را در هر کدام از این ابعاد (شخصی، فرایند روان‌شناختی و مکانی) نشان دهد. جدول ۳ سؤال‌های مطرح‌شده در پرسش‌نامه را با توجه به ابعاد سه‌گانه‌ای که از ادبیات موضوع استخراج شده‌اند، نشان می‌دهد.

جدول ۳. سؤالات پرسش‌نامه براساس ابعاد، معیارها و شاخص‌های دلبستگی به مکان

ابعاد	معیار	سؤالات بر اساس شاخص‌ها
۱. شخصی	۱-۱. فردی	۱-۱-۱. سن و جنس و تحصیلات و نوع مراجعت به مکان ۱-۱-۲. با شرایط خشک شدن آب رودخانه اصلاً خو نگرفته‌ام و از وضعیت فعلی ناراضی‌ام. ۱-۱-۳. تا قبل از خشک شدن رودخانه وقتی مدتی به این مکان نمی‌آمدم احساس دل‌تنگی می‌کردم اما حال این حس کمتر شده است.
	۱-۲. جمعی	۱-۲-۱. با خشک شدن آب زاینده‌رود، اصفهان دیگر نصف جهان نیست و پل‌های تاریخی ارزشی ندارند.
۲. فرایند روان‌شناختی	۲-۱. تأثر	۲-۱-۱. وقتی از پل و یا حاشیه رودخانه عبور می‌کنم دیگر آن احساس خوبی را که قبل از خشک شدن آب زاینده‌رود داشتم، ندارم. ۲-۱-۲. قبلاً به این مکان افتخار کرده و احساس غرور می‌کردم اما با خشک شدن آب این حس کمتر شده است. ۲-۱-۳. دیگر همانند گذشته از بودن در این مکان لذت نمی‌برم و احساس بدی به من دست می‌دهد
	۲-۲. شناخت	۲-۲-۱. با این مکان احساس بیگانگی می‌کنم چون آن را با رودخانه می‌شناختم ۲-۲-۲. زمانی که خشک بودن رودخانه و ترک برداشتن پل، یادم می‌افتد تمایلم به آمدن به این مکان کم می‌شود. ۲-۲-۳. این مکان با خشک شدن رودخانه اهمیتش را برایم از دست داده است چون به نظرم اینجا تنها با جاری بودن آب رودخانه معنا دارد.
	۲-۳. رفتار	۲-۳-۱. تمایلم به مراجعه به این مکان بعد از خشک شدن آب رودخانه کمتر شده است. ۲-۳-۲. سعی می‌کنم مسیرهای دیگری غیر از حاشیه زاینده‌رود و پل‌های تاریخی را برای تردد یا گذران اوقات فراغت انتخاب کنم تا خشکی زاینده‌رود را نبینم.
۳. مکانی	۳-۱. اجتماعی	۳-۱-۱. نسبت به قبل از خشک شدن آب رودخانه اوقات فراغت کمتری را با دوستان و خانواده در این مکان می‌گذرانم ۳-۱-۲. بعد از خشک شدن رودخانه دیگر تمایلی ندارم که قرارهایم با دوستانم را در این مکان بگذارم. ۳-۱-۳. قبلاً وقتی به این مکان می‌آمدم با افراد زیادی آشنا می‌شدم و ملاقات‌های غیررسمی زیادی با مردم داشتم، اما حال این‌گونه نیست.
	۳-۲. فیزیکی	۳-۲-۱. محیط‌زیست طبیعی و وجود آب باعث ویژه شدن این مکان برای من می‌شد اما حال با نبود آب دیگر چنین نیست. ۳-۲-۲. قبلاً گذراندن وقت در این مکان برایم خیلی مهم‌تر از مکان‌های دیگر بود اما حال دیگر این‌گونه نیست.

منبع: نگارندگان

یافته‌های تحقیق

با بررسی و تحلیل نتایج پرسش‌نامه‌ها، میزان فراوانی نسبی نظرات پاسخ‌دهندگان در مورد هرکدام از شاخص‌ها به دست آمد. (جدول ۴).

جدول ۴. توزیع فراوانی نظرات پاسخ‌دهندگان برحسب درصد

ابعاد	کاملاً موافق	موافق	بی‌نظر	مخالف	کاملاً مخالف	معیارها	کاملاً موافق	موافق	بی‌نظر	مخالف	کاملاً مخالف
۱. شخصی	۶۰/۳	۲۹/۶	۳/۴	۶/۱	۰/۶	۱-۱. فردی	۶۱/۵	۲۸/۵	۳/۵	۵/۵	۱
						۱-۲. جمعی	۵۸	۲۹	۴	۹	۰
۲. فرایند روان‌شناختی	۵۳/۶	۳۲	۵/۹	۷/۷	۰/۸	۲-۱. تأثیر	۵۷/۳	۳۵	۴	۵/۶	۱
						۲-۲. شناخت	۴۷/۶	۳۱/۷	۷	۱۲/۷	۱
						۲-۳. رفتار	۴۹	۳۵/۵	۷	۱۱	۰/۵
۳. مکانی	۴۶/۶	۲۷/۴	۵/۸	۱۱/۲	۰/۲	۳-۱. اجتماعی	۴۱/۶	۳۵	۱۲/۳	۱۲/۶	۰/۳
						۳-۲. فیزیکی	۵۴	۳۴	۴/۵	۶/۵	۰

منبع: نگارندگان

سپس از طریق همبستگی پیرسون میزان همبستگی هر کدام از شاخص‌ها با دل بستگی به مکان و همچنین همبستگی شاخص‌ها با یکدیگر سنجیده شد (جدول ۵).

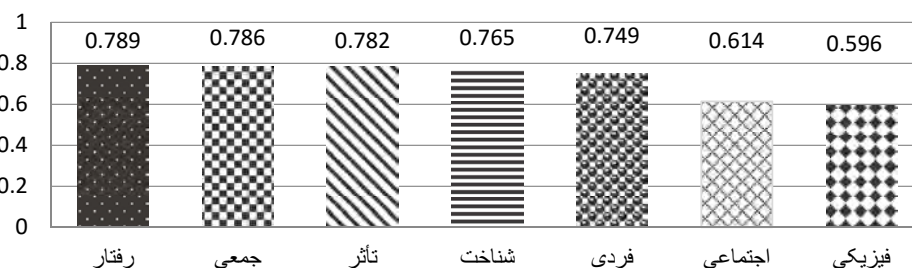
جدول ۵. ماتریس همبستگی متغیرها با دل بستگی به فضاهای حاشیه زاینده‌رود

دل بستگی	فردی	جمعی	تأثیر	شناخت	رفتار	اجتماعی	فیزیکی
فردی	۰/۷۴۹*	۰/۷۸۶*	۰/۷۸۲*	۰/۷۶۵*	۰/۷۸۹*	۰/۶۱۴*	۰/۵۹۶*
جمعی		۰/۶۲۲*	۰/۵۹۹*	۰/۴۹۶*	۰/۳۲۲**	۰/۴۵۲*	
تأثیر			۰/۵۳۱*	۰/۵۰۵*	۰/۳۱۴**	۰/۵۵۵*	
شناخت				۰/۵۸۶*	۰/۲۶۴***	۰/۴۸۰*	
رفتار					۰/۴۷۹*	۰/۳۵۰*	
اجتماعی						۰/۰۳۹**	
فیزیکی							۰/۰۳۹**

معناداری: ***: ۰/۰۰۰۳; **: ۰/۰۰۱; *: ۰/۰۰۰۵

منبع: نگارندگان

شکل ۱. رابطه دل بستگی افراد به فضاهای شهری حاشیه زاینده‌رود با شاخص‌های دل بستگی فردی، جمعی، تأثیری، شناختی، رفتاری، اجتماعی و فیزیکی در اثر خشکی رودخانه (براساس همبستگی پیرسون)



منبع: نگارندگان

همان‌گونه که در جدول ۵ و شکل ۱ مشاهده می‌شود، به ترتیب میان شاخص‌های رفتار، جمعی و تأثیری و شناخت با دلبستگی افراد به فضاهای شهری حاشیه زاینده‌رود ارتباط بالایی وجود دارد. مقادیر مثبتی که برای همبستگی به‌دست آمده نشان‌دهنده این است که افزایش هرکدام از متغیرها بر کاهش میزان حس دلبستگی افراد به فضاهای شهری اطراف زاینده‌رود تأثیر بیشتری گذاشته است. برای مثال خشکی رودخانه بیش هر چیز بر شاخص رفتار تأثیرگذار بوده است، به این معنی که تمایل مراجعه آنها به رودخانه کمتر شده و از فضاهای دیگری برای گذران اوقات فراغت یا تردد استفاده می‌کنند.

جدول ۶. میزان تأثیرات متغیرها بر دلبستگی به فضاهای حاشیه زاینده‌رود

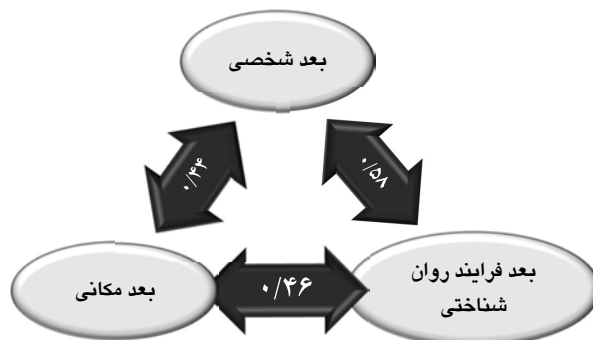
معناداری	تی	بتا	متغیرها	
۰/۰۰۰	۳۱/۴۳	۰/۱۶۷	فردی	شخصی
۰/۰۰۰	۳۵/۹۰	۰/۲۰۰	جمعی	
۰/۰۰۰	۳۷/۸۶	۰/۲۱۳	تأثر	روان‌شناختی
۰/۰۰۰	۳۰/۰۸	۰/۱۷۹	شناخت	
۰/۰۰۰	۴۱/۹۶	۰/۲۳۱	رفتار	
۰/۰۰۰	۳۶/۴۰	۰/۲۰۴	اجتماعی	مکان
۰/۰۰۰	۲۸/۲۱	۰/۱۵۹	فیزیکی	

منبع: نگارندگان

نتایج به‌دست آمده از جدول ۶ نشان می‌دهد که متغیر رفتار از بعد فرایند روان‌شناختی، بیشترین تأثیر را از خشکی رودخانه (۰/۲۳۱) پذیرفته و پس از آن متغیر تأثر با تأثیری معادل (۰/۲۱۳) قرار دارد و کمترین میزان تأثیر مربوط به متغیر فیزیکی (۰/۱۵۹) است. بنابراین افراد بیشتر تحت تأثیر بعد روان‌شناختی دلبستگی به فضاهای شهری زاینده‌رود بوده‌اند و دلبستگی شخصی و دلبستگی مکانی در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

با توجه به شکل ۱ و جدول ۶، در بعد مکانی مشاهده می‌شود که افراد کمتر تحت تأثیر دلبستگی فیزیکی بوده‌اند و تأثیر شاخص اجتماعی بر دلبستگی بیشتر از شاخص فیزیکی بوده است. با این‌که خشکی زاینده‌رود تأثیر مستقیمی بر شرایط فیزیکی آن داشته، اما مشاهده می‌شود که تأثیرات غیرمستقیم خشکی رودخانه بر افراد بیشتر بوده و از بعد روان‌شناختی بر شهروندان تأثیر بیشتری گذاشته است. این امر در مشاهدات میدانی و با اذعان مراجعین نیز کاملاً مشهود بود. برای مثال پرسش‌شوندگان اظهار می‌کردند که وضعیت خشکی رودخانه موجب ناراحتی و آزرده خاطر شدن آنها است و حتی ماهیت آوازهایی که در پل خواجه خوانده می‌شد از آوازه‌های شاد به مرثیه‌خوانی برای زاینده‌رود تغییر کرده است. نتایج حاکی از آن است که ضریب همبستگی بالایی میان دلبستگی جمعی، تأثیری و رفتاری با دلبستگی افراد به فضاهای شهری حاشیه زاینده‌رود وجود دارد و خشکی زاینده‌رود بر رفتار افراد و تمایل آنها به مراجعه به فضاهای شهری زاینده‌رود و حفظ پیوند با آن، تأثیر منفی گذاشته است. نکته قابل طرح دیگر آن است که طبق آمارهای استنتاجی و بررسی روابط بین شاخص‌ها و مؤلفه‌های دلبستگی به فضاهای شهری زاینده‌رود و مطابق با ضریب بالای همبستگی اسپیرمن (شکل ۲)، رابطه معناداری بین ابعاد شخصی، روان‌شناختی و مکانی وجود دارد و عوامل و شاخص‌های دلبستگی

بر روی یکدیگر تأثیر (مستقیم و غیرمستقیم) دارند که این رابطه میان بعد شخصی با بعد فرایند روان‌شناختی مشهودتر است.



شکل ۲. آزمون همبستگی اسپیرمن جهت بررسی روابط بین ابعاد شخصی، روان‌شناختی و مکانی دلبستگی (سطح معناداری: ۰/۰۰۰)

منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق حاکی از تأثیر عمیق و غیرقابل‌انکار خشکی زاینده‌رود بر میزان حس دلبستگی افراد به فضاهای شهری آن به‌ویژه از بعد فرایند روان‌شناختی است. همان‌گونه که از نظر کایل و همکارانش (۲۰۰۴) در مکان‌های طبیعی، دلبستگی افراد به مکان می‌تواند حاصل تمایل آن‌ها به تأمین نیازهای خاص باشد و از طریق درگیر شدن افراد با مکان، پیوندهای روان‌شناختی بین خودشان و محیط ارتقا می‌یابد، مقاله حاضر نیز به این نتیجه می‌رسد که افراد در محیط‌های طبیعی نظیر فضاهای شهری حاشیه زاینده‌رود، انتظار تجربه منافع روان‌شناختی دارند و از طریق درگیر شدن با مکان و با دیگران در آن مکان، تلاش می‌کنند تا ارتباط خود را با مکان حفظ کنند و پیوند مؤثرتر و ماندگارتری با مکان داشته باشند، اما به دلیل خشک شدن رودخانه امکان برآورده کردن این خواسته‌ها نسبت به قبل کمتر شده است. بنابراین دلبستگی به فضاها به مرور زمان کمرنگ‌تر می‌شود و با گذشت زمان زمینه را برای رها شدن و بی‌توجهی مردم به این مکان‌ها و تبدیل آن‌ها به مکان‌های ناامن فراهم می‌سازد. همان‌طور که قاسم‌زاده و همکارانش (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیدند که با خشک شدن زاینده‌رود میزان تعاملات اجتماعی شهروندان در اطراف رودخانه به‌طرز معناداری کاهش یافته است، یافته‌های تحقیق حاضر نیز نشان‌دهنده کاهش دلبستگی از بعد اجتماعی آن است؛ با این‌که دلبستگی فیزیکی و اجتماعی هر دو نسبت به قبل از خشک شدن رودخانه کمتر شده‌اند، اما افراد بیش از ویژگی‌های فیزیکی مکان، تحت تأثیر خصوصیات اجتماعی آن هستند که این در مشاهدات میدانی نیز مشهود بود و افراد با این‌که از خشکی رودخانه گله‌مند بودند، اما به‌خاطر روابط اجتماعی موجود، پیوند خود با مکان را حفظ کرده‌اند که می‌توان از این عامل به‌عنوان جنبه مثبتی برای ارتقای حس دلبستگی یاد کرد. آنچه پژوهش حاضر را متمایز می‌سازد توجه به جامعه میزبان (یعنی شهروندان اصفهانی) است که اغلب در نمونه‌های مرتبط با گردشگری در نظر گرفته نمی‌شود و بیشتر به عوامل مؤثر در جذب گردشگران خارجی پرداخته می‌شود.

در پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر این‌که وضعیت دلبستگی افراد به فضاهای شهری زاینده‌رود نسبت به قبل از خشک شدن رودخانه چه تغییری پیدا کرده و تأثیر خشکیدن رودخانه بر هریک از

ابعاد دلبستگی به مکان به چه میزان است، با مشاهدات میدانی و تحلیل‌های آماری پرسش‌نامه‌ها، میزان تأثیر هر یک از ابعاد شخصی، روان‌شناختی و مکانی و مؤلفه‌های آن‌ها در حس دلبستگی افراد به فضاهای شهری زاینده‌رود ارزیابی شد. ضرایب همبستگی ابعاد سه‌گانه، نشان‌دهنده همبستگی (بالای ۰/۴) مؤلفه‌ها و تأثیر متقابل ابعاد شخصی و روان‌شناختی و مکانی بر هم بود و رابطه دو به دوی مثبت متغیرها در همبستگی پیرسون نشان‌دهنده تأثیر هرکدام از آنها بر میزان دلبستگی افراد به فضاهای شهری حاشیه زاینده‌رود است. می‌توان گفت آنچه نسبت به قبل درخصوص فضاهای شهری حاشیه زاینده‌رود تغییر کرده، خشک شدن رودخانه است که این امر مربوط به بعد مکانی و جنبه فیزیکی دلبستگی به مکان است و طبق نتایج به‌دست‌آمده، کاهش دلبستگی افراد کمتر تحت تأثیر بعد مکانی بوده و بیشتر از بعد فرایند روان‌شناختی به‌ویژه از نظر رفتاری تأثیر پذیرفته است که این مسئله در تمایل آن‌ها به مراجعه به فضاهای شهری حاشیه زاینده‌رود نیز تأثیر منفی گذاشته است.

با این‌که در انتخاب جامعه آماری سعی شد به منظور افزایش دقت پژوهش، توزیع یکسان جمعیت از نظر جنسیت رعایت شود، حضور کم‌رنگ زنان و گاه به‌تبع آن کودکان در فضاهای شهری حاشیه زاینده‌رود نسبت به مردان مشهود بود. به این ترتیب این سؤال مطرح می‌شود که تأثیر خشکی رودخانه بر نسبت حضور زنان و مردان در فضاهای شهری پیرامون چگونه بوده است؟

پی‌نوشت‌ها

1. Stokols and Shumaker
2. White and Williams and Roggenburk
3. Proshansky
4. Kyle
5. Scannell and Gifford
6. Tuan
7. Manzo
8. Law
9. Affect
10. Jorjenson & Stedman
11. Riley
12. Relph
13. Cognition

فهرست منابع

- امیرکافی، مهدی و فتحی، شکوفه (۱۳۹۰) «بررسی عوامل مؤثر بر دل‌بستگی به محله مسکونی» مطالعه موردی شهر کرمان»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، شماره ۱، صص ۴۱-۵۰.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۴) *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، انتشارات سمت، تهران.
- دواس، دی ای (۱۳۸۶) *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ ناییبی، انتشارات نشر نی، تهران.
- دانشپور، عبدالهادی؛ سپهری مقدم، منصور و چرخچیان، مریم (۱۳۸۸) «تبیین مدل دل‌بستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن»، *نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، شماره ۲۸، صص ۴۸-۳۷.
- سجاذزاده، حسن (۱۳۹۲) «نقش دل‌بستگی به مکان در هویت بخشی به میدان‌های شهری» (نمونه موردی: میدان آرامگاه شهر همدان)، *فصلنامه علمی- پژوهشی باغ نظر*، شماره ۲۵، صص ۸۸-۷۹.
- صادقی فرشته، رویا؛ دانشگر مقدم، گلرخ و دژدار، امید (۱۳۹۱) «بررسی رابطه طرح کالبدی در مجتمع‌های مسکونی و حس دل‌بستگی به مکان در بین ساکنین (مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی امام خمینی و امام رضا در همدان)»، *نشریه مدیریت شهری*، شماره ۳۰، صص ۲۵۳-۲۶۴.
- قاسم‌زاده، بهنام؛ پژوهان، موسی؛ حاتمی‌نژاد، حسین و سجاذزاده، حسن (۱۳۹۳) «تأثیر خشک‌سالی زاینده‌رود در تعاملات اجتماعی و فضاهای جمعی اصفهان»، *مجله محیط‌شناسی*، شماره ۲، صص ۴۹۸-۴۸۱.
- کیانی، غلامحسین و ملکی، ریحانه (۱۳۹۲) «بررسی اثر خشک‌سالی زاینده‌رود بر تقاضای گردشگری شهر اصفهان»، اولین همایش ملی گردشگری، جغرافیا و محیط‌زیست پایدار.
- مختاباد، سید مصطفی؛ محمدیار زاده، سجاد و شمس الهی، بهنوش (۱۳۸۸) «جستاری بر انسان‌شناسی/ نشانه‌شناسی شهری و نقش آن در خوانایی فضاهای شهری»، *مجله جامعه‌شناسی معاصر*، شماره ۴، صص ۶۹-۳۱.

- Altman, I. & Low, S. (1992) *Place Attachment*, NY: Plenum Press.
- Bonaiuto, M.; Fornara, F. & Bonnes, M. (2002) "Indexes of perceived residential environment quality and neighborhood attachment in urban environments: a confirmation study on the city of Rome", *Landscape and Urban Planning*, Vol. 988, 1-12.
- Bonaiuto, M. (1999) "Multimensional environment quality and neighbourhood attachment", *Urban Environment*, Vol. 19, 331-352.
- Hernandez, B. & Hidalgo, M.H. (2001) "Place attachment: Conceptual and empirical questions", *Environmental Psychology*, Vol. 18, 5-29.
- Hauge, A. L. (2007) "Identity and place: a critical comparison of three identity theories", *Architectural Science Review Article*, Vol. 50, 44-51.
- Hashemnezhad, H.; Heidari, A. & Mohammad Hoseini, P. (2013) "Sense of Place and Place Attachment", *Architecture and Urban Development*, Vol. 3, 5-12.
- Jorgensen, B. S. & Stedman, R. C. (2001) "Sense of place as an attitude: Lakeshore owners attitudes toward their properties", *Environmental Psychology*, Vol. 21, 233-248.
- Kyle, G.; Graefeb, A.; Manning, R. & Bacon, J. (2004) "Effects of place attachment on user's perceptions of social and environmental conditions in a natural setting", *Environmental Psychology*, Vol. 24, 213-225.
- Lai, P. H. & Kreuter, U. P. (2012) "Examining the direct and indirect effects of environmental change and place attachment on land management decisions in the Hill Country of Texas, USA", *Landscape and Urban Planning*, Vol. 104, 320- 328.
- Proshansky, H. M. (1978) "The city and self identity", *Environment and Behavior*, Vol. 2, 147-169.
- Relph, E. (1976) *Place and Placelessness*, London: Pion.

- Scannell, L. & Gifford, R. (2010) "Defining place attachment: A tripartite organizing framework", *Environmental Psychology*, Vol. 30, 1-10.
- Taylor, R. B.; Gottfredson, S. D. & Brower, B. (1985) "Attachment to place: Discriminant validity, and impacts of disorder and diversity", *Community Psychology*, Vol. 13, 525-542.
- Twigger, C. & Uzzell, D. L. (1996) "Place and Identity Process", *Environmental Psychology*, Vol. 16, 205-220.
- Tuan, Y. F. (1977) *Space and place: The perspective of experience*, London: University of Minnesota state press.
- Williams, D. R.; Patterson, M. E.; Roggenbuck, J. W. & Watson, A. E. (1992) "Beyond the commodity metaphor: Examining emotional and symbolic attachment to place", *Leisure Sciences*, Vol. 14, 29-46.
- Yazdanfar, S. A.; Heidari, A. A.; Behdadfar, N. & Eskandari, M. (2013) "Effect of place attachment in creating sense of place Case study: Tajrish old Bazaar and new commercial center", *Applied and Basic Sciences*, Vol. 4, 855-862.
- Zenker, S., & Rutter, N. (2014) "Is satisfaction the key? The role of citizen satisfaction, place attachment and place brand attitude on positive citizenship behavior", *Cities*, Vol. 38, 11-17.